



دیدار رهبران آمریکا و اسرائیل در مارا لاگو آتش جنگ را شعله‌ور می‌کند؟

هشدار تندتهران

اتحادملت- گروه بین‌الملل - عاطفه عبدالهی‌نژاد؛ رهبر اسرائیل قرار است روز دوشنبه به مارالاگو برود، اما اظهارنظرهای سختگیرانه او درباره غزه و دیگر مسائل بحران‌زا در خاورمیانه ظاهراً در تضاد با تلاش‌های ترامپ به نظر می‌رسد. در آستانه این دیدار میان نخست‌وزیر اسرائیل و رئیس‌جمهور آمریکا، ایران هشدار داده که احتمال وقوع یک جنگ تمام‌عیار وجود دارد.

طبق گزارش الجزیره، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، اعلام کرده که ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای اروپایی در حال آماده‌سازی برای آغاز "جنگ تمام‌عیار" علیه ایران هستند. این اظهارات، بلافاصله پیش از ملاقات بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ مطرح شد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که شش ماه پیش اسرائیل و آمریکا حملاتی

شرح در صفحه ۷

گره خوردن زندگی طبقه متوسط با بدهی و قسط! زندگی قسطی سفر قسطی تفریح قسطی! صفحه ۳	آیا می‌توان از اقتصاد تراستی عبور کرد؟ پشت‌پرده بازگشت ارز نفتی ایران صفحه ۲	قاچاق معکوس دارو قابل انکار نیست حذف ارز ترجیحی در سایه وعده حمایت صفحه ۸
--	--	---

سخت نخست ◆	به‌قلم: ایمان گودرزی
-------------------	-----------------------------

بازسازی آزادی؛ پروژه‌های بزرگ با جیب کوچک!

برگزاری شهرورد تهران در اراک، سردرگمی پرسپولیس و استقلال در معرفی ورزشگاه های میزبان، خرابی چمن ورزشگاه شهدای شهر قدس و کوچ اجباری فوتبال پایتخت، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت ورزشگاه خاطره انگیز آزادی برگردانده است؛ ورزشگاهی که سال‌هاست نامش با «بازسازی» گره خورده و هر فصل این پرسش تکرار می‌شود "چرا کار آزادی تمام نمی‌شود؟!"

چند ماه پیش سید محمدعلی ثابت‌قدم مدیرعامل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور در مصاحبه ای اعلام کرد که بازسازی ورزشگاه آزادی تا آخر سال ۱۴۰۵ و با بودجه‌ای در حدود ۳۵۰۰ میلیارد تومان به پایان می‌رسد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت ◆	به‌قلم: امیر کیان مهر / کارشناس تأمین اجتماعی
------------------	--

شورای عالی تأمین اجتماعی و ضرورت بازگشت سازمان به ساختار قانونی پیشین

در نظام رفاهی ایران، قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۸۳، به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد قانونی با هدف ایجاد جامعیت، انتظام‌بخشی و یکپارچگی در برنامه‌های مقوله کلان تأمین اجتماعی تدوین شد.

این قانون، مقوله تأمین اجتماعی را به معنای عام به سه حوزه بیمه‌ای (شامل بازنشستگی، بیکاری و حوادث)، حمایتی (کمک به افشار آسیب‌پذیر) و امدادی (حمایت‌های فوری) تقسیم‌بندی و «شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی» را به عنوان بالاترین رکن سیاست‌گذاری معرفی کرد.

با این حال، اجرای این قانون از ابتدا با چالش‌های جدی مواجه بوده و انتقادات متعددی بر آن وارد شده است. این یادداشت در پی بررسی اهمیت شورای عالی تأمین اجتماعی، تحلیل انتقادات وارد بر قانون ساختار نظام جامع و تبیین ضرورت بازگشت سازمان تأمین اجتماعی به ساختار قانونی پیش از آن (یعنی قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴) است.

نقد قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، هرچند در ظاهر رویکردی جامع‌نگر داشت و هم‌اکنون نیز مدافعانی دارد، اما در عمل نتوانست انسجام لازم را در سیستم رفاهی کشور ایجاد کند. یکی از اصلی‌ترین انتقادات که از زمان تصویب و اجرا مطرح بود، عدم طراحی یک ساختار کارآمد و متمرکز برای تمام نهادهای رفاهی است.

این قانون، نهادهای مهم و اثرگذاری مانند جمعیت هلال احمر و کمیته امداد را عمدتاً از شمول ساختار یکپارچه خود مستثنی کرد و تمرکز اصلی را بر سازمان تأمین اجتماعی گذاشت. بر این اساس، حتی ساختار اداری و پرسنلی وزارتخانه جدید (رفاه و تأمین اجتماعی) نیز تا حد زیادی وامدار سازمان تأمین اجتماعی شد.

اگرچه مبانی فکری این قانون در موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی پی‌ریزی شد و مدیرعامل وقت این سازمان با رأی مجلس هفتم به عنوان نخستین وزیر رفاه و تأمین اجتماعی منصوب شد، اما اختلاف‌نظرهای جدی از همان ابتدا آشکار بود.

تشدید چالش‌ها در دولت‌های نهم و دهم

این رویدادهای اولیه در مقایسه با تحولات دوره‌های بعد، به ویژه در دولت‌های نهم و دهم، کم‌رنگ می‌نمایند. در زمان وزارت آقای کاظمی، اختلافات جدی با مدیرعامل وقت سازمان تأمین اجتماعی بر سر انتصابات در سازمان و شرکت‌های زیرمجموعه‌ای مانند «شستا» بروز کرد که نهایتاً به برکناری مدیرعامل سازمان انجامید. این روند در طول هشت سال پس از آن نیز تداوم یافت و در سال دولت‌های نهم و دهم، ۶ مدیرعامل بر کرسی این سازمان بزرگ نشستند که این تغییرات مدیریتی نشانه‌ای از عدم توجه جدی به مقوله مهمی به نام تأمین اجتماعی (بیمه‌های اجتماعی) که متکفل بیش از نیمی از جمعیت کشور است، دارد.

مخرب‌ترین اقدام در این دوره، اصلاح ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۰ بود. کشمکش‌های دولت و مجلس بر سر این ماده، به حذف «شورای عالی تأمین اجتماعی» و جایگزینی آن با «هیأت امنای سازمان تأمین اجتماعی» انجامید. این تغییر، پیامدهای منفی گسترده‌ای داشت:

* کاهش شدید اختیارات سازمان تأمین اجتماعی.

* کم‌رنگ شدن نقش شرکای اجتماعی (کارگران و کارفرمایان) در حکمرانی سازمان.

مقوله رفاه و حتی مقوله کار شد. سیاست‌هایی مانند یارانه‌های نقدی و سهام عدالت، سلسله‌مراتب نیازها را برهم زد و حداقل‌های معیشتی مانند بیمه پایه را نادیده گرفت. تعدد شوراها (مانند شورای عالی اشتغال و دستمزد، شورای عالی رفاه تأمین اجتماعی) این مشکلات، نه تنها کارایی سیستم را کاهش داده، بلکه اعتماد عمومی به سازمان تأمین اجتماعی را خدشه‌دار کرده است.

اهمیت شورای عالی تأمین اجتماعی و ضرورت بازگشت

در این میان، اهمیت شورای عالی تأمین اجتماعی برجسته می‌شود. این شورا، بر اساس قانون تأمین اجتماعی ۱۳۵۴، با ترکیب عادلانه نمایندگان سه‌جانبه (دولت، کارگران و کارفرمایان) سیاست‌گذاری می‌کرد و نقش کلیدی در حفاظت از منابع و تصمیم‌گیری‌های شفاف داشت. اما با تصویب قانون جامع ۱۳۸۳ و پیامدها و اصلاحات بعدی آن، این شورا عملاً غیرفعال شد و جای خود را به هیأت امنایی داد که اکثریت آن (۶ از ۹ عضو) دولتی است. این تغییر، تصمیم‌گیری را به نفع دولت سوق داد و نظرات کارگری و کارفرمایی را بی‌اثر ساخت.

احیای شورای عالی تأمین اجتماعی، به عنوان مطالبه جدی شرکای اجتماعی و کارشناسان سازمان، می‌تواند حکمرانی سه‌جانبه‌گرایانه را بازگرداند و دولت را به نقش نظارتی محدود کند.

بازگشت سازمان تأمین اجتماعی به ساختار قانونی پیشین (قانون ۱۳۵۴) می‌تواند بخش زیادی از مشکلات را حل کند. در آن ساختار، سازمان مستقل‌تر بود و شورای عالی تأمین اجتماعی تصمیم‌گیری را بر عهده داشت، که این امر علاوه بر این، ادغام وزارت رفاه با وزارت کار در سال‌های بعد، منجر به حاکمیت نگاهی توده‌ستایانه و صدقه‌ای بر

* افزایش نقش مستقیم و تصدی‌گرایانه دولت. محدود شدن اختیارات مدیرعامل و هیأت مدیره سازمان در امور داخلی، تا حدی که کوچک‌ترین اقدامات ساختاری نیز نیازمند تصویب هیأت امن‌ا شد.

* حضور پررنگ دولت از طریق وزیر رفاه و تأمین اجتماعی در ارکان سازمان مانند هیأت مدیره.

* نقش پررنگ دولت در انتصابات به ویژه در شستا.

* از بین رفتن استقلال اداری و مالی بر خلاف قانون مصوب ۱۳۵۴ و آیین‌نامه‌ها و مقررات بعدی.

این شرایط منجر به کاهش چشمگیر سرعت عمل و چابکی سازمان، ایجاد وابستگی صددرصدی در تعیین حقوق و مزایای کارکنان به نهادهای دولتی، و در مجموع، اخلال در عملکرد یک سازمان پیمه‌ای عمومی غیردولتی با ماهیت درآمد‌هزینه شده است. این وضعیت، علاوه بر تأثیر سوء بر خدمت‌رسانی، موجبات نارضایتی گسترده کارکنان را نیز فراهم آورده است.

ضعف‌های ساختاری و پیامدهای آن

همچنین، عدم رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی (مشارکت دولت، کارگران و کارفرمایان) یکی از نقاط ضعف عمده این قانون است. این قانون، ساختار را به سمت تمرکز قدرت در دست دولت سوق داد و نقش ذی‌نفعان اصلی را کم‌رنگ کرد. نتیجه این امر، افزایش بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی بوده است. بر اساس گزارش‌ها، دیون دولت به تأمین اجتماعی به دلیل عدم پرداخت سهم سه درصدی کارفرمایی و تحمیل طرح‌های حمایتی بدون پشتوانه مالی، به اراقمی نجومی رسیده و بیمه‌شدگان را متضرر کرده است. علاوه بر این، ادغام وزارت رفاه با وزارت کار در سال‌های بعد، منجر به حاکمیت نگاهی توده‌ستایانه و صدقه‌ای بر

یادداشت ◆	به‌قلم: وحید حاج سعیدی / روزنامه نگار
------------------	--

کسری بودجه‌های شخصی!

این روزها که اوضاع اقتصادی مردم پشت و رو شده و ارزش پول ملی به شدت در حال کاهش است، دیگر نه کسی حال و حوصله تعریف و تمجید از کت های باز رئیس جمهور را دارد و نه هیچ قلاب اینستاگرامی، می تواند مخاطبان را به تماشای داد و بیدادهای کم چرب و بلاثر نمایندگان در خصوص گرانی، بیکاری، معیشت بازنشستگان، اربابه های مرگ، آلودگی هوا و ... در مجلس وادار کند!

دلار و سکه چنان افسار پاره کرده اند که هیچ تولید کننده و کارآفرینی رغبت به سرمایه گذاری و چرخاندن چرخ تولید ندارد و از بقال سر کوچه گرفته تا معتبر ترین سیگنال فروش ها، همه و همه مردم را به خرید دلار و طلای آب شده و سکه و نقره و ... توصیه می کنند.

خرید خودرو و مسکن برای عدهٔ بسیاری آرزو شده است

الساعه صادر می شوند؛ انحصار در واردات شکل می گیرد؛ مشکلات اقتصادی کتمان می شوند و هزاران راهبرد فساد زایی که کم‌رنگ کردن اثرات آنها بر زندگی و معیشت مردم سال ها زمان می برد.

ناگفته اگر فشار تامین مخارج زندگی لاکچری هم بیش از حد شود، امکان جلاي وطن و مهاجرت به بلاد کفر با توشه ای چند همتی از بزرگترین بانک کشور نیز محتمل است!

خطر و تبعات کسری بودجه زندگی شخصی برخی مسئولان و مدیران به مراتب از فقر و فلاکت قاطبه مردم خطرناک تر است. چرا که تامین این کسری بودجه کذایی به بهای نابودی زندگی میلیون ها نفر و تاراج منابع طبیعی و مادی و اجتماعی کشور است. شاید الان متوجه شویم که چرا هیچگاه مرفهان جامعه گروه هدف هیچ راهبرد و سیاست اقتصادی و غیر اقتصادی دولت ها نیستند!

را می توان در زندگی معاون وزیری دید و شنید که برای گذران امورات زندگی لاکچری اش از بیماران زیرمیزی مطالبه می کند!

ماجرا آنجا غم انگیز می شود که وقتی معاون وزیری نتواند زیرمیزی بگیرد، اختلاس و ارتشاء رواج می یابد؛ رانت و رانت خواری مباح می شود؛ خرده فرمایشات اغنیاء در خصوص نپرداختن مالیات به جان خریده می شود؛ پست فروشی رونق می گیرد؛ مالیات طلافروشان از کارمندان کمتر می شود؛ مالیات خانه ها و ماشین های لوکس را می توان بدون بررسی موجودی کارت پرداخت کرد؛ بورس حیات خلوت عده ای می شود؛ عدالت مالیاتی رنگ می بازد؛ شفافیت اقتصادی به کمینه خود می رسد؛ محافظه کاری در قبال بودجه خواران زیاد می شود؛ جنگل خواری و دریا خواری و ویژه توسعه می یابد؛ بخشنامه های خلق

نوعی کلاس می داندند و جماعتی دیگر باید قدردان دولتی باشد که توجه به معیشت مردم را یارانه ۹ میلیونی به پاک بنزین خودروبی می داند که خریدارش آن را سال ها قبل تنها ۷ میلیون خریده است!

البته پا روی حق گذاریم در تمام دولت ها برنامه ها و جراحی های بزرگی اقتصادی صورت گرفته است ولی ما متوجه نشدید چرا تمام مقصد و مقصود این طرح ها، برنامه ها، جراحی ها، پروسیچر ها، بخشنامه ها، توصیه ها به صرفه جویی و قناعت، خویشان داری ها، کم کردن وعده های غذایی، نان خشک سق زدن ها و ... اقشار ضعیف جامعه هستند و مرفهان جامعه مخاطب و گروه هدف هیچ راهبرد و سیاست اقتصادی و غیر اقتصادی دولت ها نیستند!

با این حال باید اذعان داشت پژواک خطرناک تر اقتصاد

و خرید لوازم خانگی هم نیاز به برنامه ریزی و دریافت وام های خرد و کلان دارد. البته برنج و روغن و حبوبات و لبنیات و میوه و آجیل هم فعلاً نیم بند و قسطی به مدد فروشگاه های زنجیره ای و صدقه سر یارانه دولت در سفره های مردم یافت می شود.

سألهاست اقتصاد دولتی و دستوری، ارز چند نرخی، شوخی با مالیات، بی انضباطی مالی و ... از یک سو و از سوی دیگر تحریم و ها و توطئه ها زندگی مردم را تحت الشعاع قرار داده است.

توطئه ها و تحریم هایی که سوگمندانه فقط روی زندگی افراد معمولی تاثیر منفی دارند ولی ثروت جماعت اغنیاء و از ما بهتران را چند برابر می کند.

این دست حکمرانی اقتصادی امروز یک عده را چنان بی نیاز و منعم ساخته که تحمل صف بنزین ۸۰ هزار تومانی را